

جایگاه استراتژیک ایران در اتحادیه شانگهای*

کیومرث یزدان پناه درو

دانش آموخته دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

E_mail: qiuo72@yahoo.com

دکتر عزت اله عزتی

دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده:

سازمان همکاری شانگهای یکی از سازمان های بزرگ امنیتی و اقتصادی در قاره آسیا است که از نظر استراتژیک و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک اهمیت خاصی پیدا کرده است. نهادی است تازه تأسیس با حرکت تکاملی تند و سریع که مورد توجه رقبا و مجامع بزرگ اقتصادی در جهان قرار گرفته است. وگستره آن منطقه اوراسیا را نیز در بر گرفته است. در این مقاله ضمن بررسی ریشه ها و عوامل استراتژیک پیدایش و علل استمرار و گسترش حوزه جغرافیایی سازمان شانگهای، ضمن تأکید بر جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و نقش مستقیم حضور کشورمان در شانگهای نشان داده خواهد شد که عضویت ایران در این سازمان با منافع و امنیت ملی کشورمان در شرایط کنونی سازگاری دارد یا خیر؟

واژه های کلیدی: شانگهای، ایران، ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک، منطقه گرایی، امنیت، اقتصاد، تجارت سازمانی

مقدمه

تحولات کنونی جهان معاصر بر اهمیت همکاری کشورها برای مقابله با تهدیدات مختلف که بسیاری از آنها ماهیتی بین المللی یافته اند، افزوده است. در چنین شرایطی، سازمان های منطقه ای نقش برجسته ای می یابند. از سوی دیگر فروپاشی بلوک بندی های گذشته این اندیشه را تقویت کرده است که سازمان های منطقه ای بلوک بندی های قرن بیست و یکم را تشکیل می دهند.

سازمان همکاری شانگهای یکی از سازمان های نوظهور منطقه ای است که با عمری کوتاه رشد قابل توجهی داشته است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران به عضویت ناظر این سازمان پذیرفته شده و انتظار می رود که

* این مقاله استخراج شده از رساله دکترائی است که به راهنمایی دکتر عزت اله عزتی تهیه شده است.

در فرایندهای آتی جزو اعضای این سازمان گردد، شناخت این سازمان و کارکردها و موقعیت آن در نظام منطقه ای و بین المللی ضروری به نظر می رسد.

امروزه بحث هایی چون نفت و گاز دریای خزر، توسعه ناتو به سمت شرق، تأثیر عضویت کشورهای منطقه در WTO، تلاش جهت یافتن ساز و کارهای مناسب برای جلوگیری از سلطه آمریکا بر امور جهانی و ... در مذاکرات، اعلامیه ها و بیانیه های سازمان شانگهای به چشم می خورد.

به همین جهت بسیاری سازمان همکاری شانگهای را اتحادی ضد ناتو نامیده اند و برخی از صاحب نظران آن را با جنبش عدم تعهد مقایسه می کنند.

چشم انداز سازمان همکاری شانگهای نیز قابل تامل است. به نظر می رسد این سازمان در پرتو همکاری های منسجم اعضا در شکل گیری نظام بین المللی جایگاه شایسته و موثری برای خود مهیا خواهد کرد. این سازمان قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک سازمان چند جانبه را دارد. در صورت همکاری منسجم در حوزه های اقتصادی و اجتماعی بی تردید می توان سازمان همکاری شانگهای را در جایگاه بازیگری قدرتمند در آینده مورد ارزیابی قرار داد. در این راستا سران اصلی عضو اتحادیه تلاش دارند با افزودن بر اعضای اصلی از کشورهای موثر منطقه وزن و اعتبار ژئوپولیتیکی اتحادیه را در رقابتهای منطقه ای و جهانی افزایش دهند. در این مقاله سعی شده تا وضعیت ایران که هم اکنون عضو ناظر این اتحادیه است در ابعاد مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد و در همین راستا و با همین پارامترها وضعیت ایران در صورت پیوستن به صورت دائم به شانگهای نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. امید است که مفید واقع افتد.

کاربرد تحقیق

بررسی موقعیت ژئوپولیتیک حوزه جغرافیایی سازمان همکاریهای اقتصادی - امنیتی شانگهای و وضعیت استراتژیک این حوزه موثر با توجه به جدید بودن و نیاز به شناخت دقیق آن می تواند برای مطالعات مسائل سازمانی از جمله نهادهای تأثیرگذار در رقابتهای اقتصادی و سیاسی قابل استفاده باشد. ضمن اینکه نگاه ایران به این سازمان و متقابلاً نگاه اتحادیه با ایران موضوعی کاملاً جدید و قابل بررسی های متعدد علمی است.

اهداف تحقیق

با توجه به طرح مسئله و فرضیات تحقیق، اهداف این تحقیق عبارتند از: شناخت وضعیت ژئوپولیتیک حوزه پهناور سازمان شانگهای در حال و آینده و شیوه مناسبات کشورهای عضو با یکدیگر در حوزه درونی اتحادیه شانگهای و چگونگی تقسیم مسئولیتها برای تحقق اهداف شانگهای بویژه ماموریت های اقتصادی آن. ایران نیز با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک شانگهای نگاه خاصی به این اتحادیه دارد. زیرا این تحقیق به هدف نهایی شانگهای که همان "پل زدن میان ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک با در نظر داشتن اصل رقابت در آسیای مرکزی" تأکید خاص داشته است و ایران را به همین خاطر در این مقاله بطور ویژه مورد بررسی قرار داده است.

ساختار تحقیق

۱. علت اولیه و مطلوب که مورد نظر بازیگران عضو شانگهای است؛

۲. علائق و تهدیدات مشترک و دلایل خاص ایران برای عضویت دائم در شانگهای
۳. تشریح ارتباطات میان ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک و میان بسترهای منطقه‌ای و جهانی
۴. اهمیتی که ایران به لحاظ ژئوپولیتیکی برای کشورهای اصلی عضو شانگهای دارد
۵. تضامین امنیتی مناطق حائل در جغرافیای سیاسی شانگهای بویژه امنیت انرژی
۶. مبارزه با تروریسم، تولید و صادرات مواد مخدر و جلوگیری از افراط‌گرایی و جدایی طلبی
۷. نقش محوری ایران در بازیهای مهم منطقه‌ای و جهانی
۸. رونق تجاری - بازرگانی و اقتصادی

وضعیت فعلی ایران در شانگهای بعنوان عضو ناظر:

۱- دلایل جغرافیایی: پس از بررسی های اولیه کارشناسی، تقاضای عضویت ایران در تاریخ ۱۰ بهمن ۸۳ ارائه و سند پیوستن جمهوری اسلامی ایران به همراه پاکستان و هند به عنوان ناظر در اجلاس سران سازمان در شهر آستانه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ تیرماه ۸۴ امضا گردید. مهمترین دلیل برای عضویت ایران در شانگهای می تواند جایگاه جغرافیایی کشورمان باشد. زیرا ایران در کانون محور تحولات جهانی که مرکز آن خاورمیانه است، قرار دارد. و به همین دلیل امروزه نمی توان نقش جغرافیا در سیاست گذارهای منطقه ای و جهانی را نادیده گرفت. پیرو این اصل اساسی و نظر به اهمیت تغییرات ژئوپولیتیکی که ناشی از تحولات جهانی در عصر حاضر است؛ مطالعه و تحقیق در خصوص نقش جغرافیای استراتژیک ایران در اتحادیه شانگهای ضروری است. در این مسیر باید اساس کار و اولویت هارا شناسائی کرد. (کنگره ژئوپولیتیک، ۱۳۸۴). تا با عقل و منطق ژئوپولیتیکی وارد این اتحادیه شد.

ایران به دلیل ماهیت خاص جغرافیایی خود مورد توجه تمام کانونهای قدرت در جهان است و همین مسئله تاکنون تهدیدهای زیادی را برای ایران دنبال داشته است. به نظر می رسد امروزه این تهدیدات در سطح جهانی به اوج خود رسیده باشد. قدرتهای زورگوی جهانی در تلاش هستند به منظور منزوی کردن ایران، جغرافیای استراتژیک آن را دستخوش تغییر و تحول قرار نمایند و عمق استراتژیک آنرا هدف قرار دهند. در یک سطح استراتژیک تر یا کلان تر می توان تعمیم های بیشتری را درباره محیط جغرافیایی ایران حدس زد. قدرتهای جهانی بویژه امریکا به بهانه فعالیت های هسته ای تلاش دارند به ایران فعلی به لحاظ سیاسی - امنیتی و اقتصادی آسیب بزنند. چین و روسیه بعنوان دوهم پیمان سنتی نمی توانند به همین سادگی در برابر سناریوهای جهانی علیه ایران بی تفاوت بمانند، اما در عمل نیز اقدامی جدی از این کشورها در برابر تهدیدات و فشارهای مضاعف بر ایران دیده نمی شود. این مقدمه کوتاه گویای این واقعیت است که شاید همین دلایل محکم جغرافیایی از یکسو ایران را ترغیب می کند تا در قرارگرفتن در درون اتحادیه شانگهای بطور رسمی، از بار مضاعف تهدیدات جهانی بکاهد و از طرفی دیگر شاید چین و روسیه نیز به همین موضوع می اندیشند تا با عضو کردن ایران در شانگهای به پشتوانه این اتحادیه، امریکا و متحدان غربی اش را در کاستن از بار فشار بر ایران ترغیب کنند. (باقری، ۱۳۸۶).

اما اگر چه ایران طی سالهای بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر تحت فشار امریکا و اروپائیان بوده، اما بنا به دلایل محکم جغرافیایی همچنان گلوگاه استراتژیک جهان است. علاوه بر این ایران به لحاظ ژئوپولیتیکی عامل ایجاد توازن سیاسی - امنیتی در منطقه است. این عامل در کنار دیگر توانمندیها، اهمیت مضاعفی به ایران در آسیا می دهد که

برای اعضای موثر شانگهای این موقعیت کاملاً قابل درک است و این یک واقعیت ژئوپولیتیکی است که سرزمین ایران سرزمینی است که همپیمانان اتحادیه شانگهای برای دستیابی به اهداف مهم خود از جمله حفظ شرایط متوازن رقابت با قدرتهای غربی بدان نیاز دارند. ایران بیشترین تماس ژئوپولیتیکی را با مناطق پیرامونی خود دارد. این تماس ها میتواند هم در جهت ثبات منطقه ای باشد و هم در جهت بی ثباتی. به هر حال ایران مرکز ثقل تحولات جهانی است و شانگهای برای دستیابی به رویاهایش مجبور به توجه جدی به ایران است. و این مسأله فرصتی استثنائی برای ماست تا به یک غلبه ژئوپولیتیکی در منطقه و جهان دست پیدا کنیم. از طرفی دیگر موقعیت اعضای واقع در جغرافیای شمالی شانگهای یعنی آسیای مرکزی به گونه ایست که علیرغم ارتقاء همکاری چند جانبه توسط سازمانهای مختلف بین المللی و منطقه ای، بویژه شانگهای، قواعد بازی سیاسی بطور عمده برای اکثر کشورهای این حوزه، به گونه موثری حاصل جمع صفر است. در چنین شرایطی افزایش اقتدار و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و تبدیل شدن آنان به جوامعی دموکراتیک و مرفه و با ثبات در گرو تحکیم مناسبات منطقه ای و تغییر نوع نگرشهای سستی این کشورهاست. با وضعیتی که همزمان با شکل گیری اتحادیه شانگهای در آسیا و اورآسیا بوجود آمده باز هم نگاهها به سمت ایران معطوف شده تا با بهرگیری از موقعیت ایران به سمت تحقق چشم اندازها حرکت کنند.

۲- دلایل اقتصادی: علی رغم فاصله جغرافیایی ایران با برخی از اعضای شانگهای از جمله چین، بنا بر موقعیت های فراوانی که در ایران برای توسعه اقتصادی و صنعتی وجود دارد، زمینه های زیادی برای جذب سرمایه گذاری و اجرای پروژه های بزرگ صنعتی و اقتصادی در ایران وجود دارد. از سوی دیگر جغرافیای سرزمینی ایران به لحاظ اکوسیستمی از موقعیت بسیار ممتاز و شرایط متنوعی برخوردار است. ظرفیت ها و مزیت های فراوان اقتصادی در کنار ویژگی های جغرافیایی قابلیت های لازم را برای همکاری متقابل اقتصادی با اتحادیه شانگهای فراهم می سازد. اقتصاد ایران در سه دهه اخیر با دو شوک بزرگ مواجه بوده است:

۱- وقوع انقلاب اسلامی و متعاقب آن تحمیل جنگ هشت ساله از سوی عراق به ایران که تقریباً بسیاری از زیر ساخت های اقتصادی ایران را با بحرانهای جدی مواجه کرد.

۲- شوک دوم ناشی از تحریمهای سخت بین المللی که از سال ۱۹۹۶ میلادی بطور جدی علیه اقتصاد ایران شروع و در حد گسترده تا به امروز ادامه دارد. این دو شوک بزرگ مانع از پیشرفت اصولی و اساسی اقتصاد ایران بوده و هم اکنون نیز ادامه دارد.

اگر چه راههای مختلفی توسط ایران در این مدت آزمایش شده اما هیچکدام از این راهها نتوانسته اهداف ملی را در این زمینه محقق کند و علاوه بر این باعث بوجود آمدن نگرانی هایی نیز در سطح ملی شده است. با این حال بنا به دلایل جغرافیایی که در بالا بدان اشاره شد، قدرتهای جهانی نمیتوانند ایران در معادلات جهانی حذف و یا نادیده بگیرند. زیرا قلمرو ژئوپولیتیکی ایران ناشی از ژئوپولیتیک نفت بوده و این مسئله به دلیل خاصیت ژئواستراتژیکی نقشه ایران اهمیت آنرا مضاعف می کند. این مسائل برای اعضای شانگهای حائز اهمیت است. اما اهمیت مضاعف آن برای خود ایران است. زیرا ایران برای حفظ موقعیت ژئوپولیتیکی خود که امروزه موقعیت مضاعف ژئواکونومیک نیز پیدا کرده و همچنین کاهش خطرات بین المللی که در این زمان از تاریخ سیاسی ایران؛ کشورمان را در مراحل حساسی قرار داده، باید ارتقاء سطح روابط منطقه ای را مد نظر قرار دهد. از طرفی همانگونه

که اشاره شد تمام کشورهای منطقه آسیای مرکزی نیاز به اصلاحات اقتصادی - تبادل اقتصادی - بازار آزاد و مزیت های رقابتی دارند. این نیازها حضور اقتصادی ایران را در منطقه توجیه می کند و سرمایه گذاری اصولی در این حوزه، فواید فراوانی برای ایران در پی خواهد داشت.

۳- دلایل امنیتی: مهمترین موضوع در حوزه امنیتی برای ایران این استدلال است که ورود به اتحادیه شانگهای بطور رسمی، تضمین کننده ثبات منطقه است و میزان سهم و نقشی که ایران می تواند در برقرای این ثبات منطقه ای ایفاء کند. این منطقه به جهت مسائل امنیتی در قوسی از بحران قرار گرفته که به مانند دایره ای چرخان می تواند هر آن گوشه ای از جغرافیای منطقه را تحت تأثیر قرار داده و در قوس بحران فرو برد. (شعیب، ۱۳۸۷). ترکیب و شالوده اساسی امنیت منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ م دچار تغییرات استراتژیک شد. هر چند تأثیر این تغییرات ژئواستراتژیک در آن موقع بطور قطعی قابل پیش بینی نبود، اما تردیدهای امنیتی ناشی از این پیامد بزرگ مناطق پیرامونی از جمله ایران را در برگرفت و بنا به همین دلیل اصلی امنیتی، ایده های شکل گیری شانگهای بوجود آمد.

موضوع جالب توجه دیگر این است که امنیت همواره بخش قابل توجه تشکیل دهنده قدرت است و همیشه هم ثابت نیست. بر این اساس حلقه درونی شانگهای گستره جغرافیایی شرق - جنوب شرق - جنوب غرب - آسیای شمالی و اورآسیا است. درست در کنار حلقه درونی حلقه بیرونی شانگهای وجود دارد که مهمترین آن خاورمیانه است. حلقه امنیتی خاورمیانه به امنیت جهانی گره خورده است. کمتر سیاستمداری در جهان امروز است که نداند اهمیت خاورمیانه به ویژه خلیج فارس تا کجاست؟ اتصال این حلقه ها با درک عمیقی که نسبت به امنیت مناطق فوق الذکر بوجود آمده، می تواند در سرنوشت امنیت جهانی تأثیر شگرف داشته باشد. این موضوع که به هر شکلی که نگاه می کنی به سرنوشت ایران گره خورده برای آینده امنیتی ایران و تضمین ثبات داخلی بسیار حیاتی است.

ایران به سبب ماهیت جغرافیایی خاص خود بیشترین تماس امنیتی را با حوزه های پیرامونی دارد و سرنوشت امنیت ایران به امنیت جهانی گره خورده است. در چنین وضعیتی نمی توان از نقش سازمانی که حداقل نیمی از اهداف آن را مسائل امنیتی تشکیل می دهند نادیده گرفت. در مقابل با توجه به خط و مشی های سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال ایران که در سی سال اخیر حالت درگیرانه داشته، این حساسیت را در مناطق پیرامونی ایران بوجود آورده تا کشورهای پیرامونی ما نسبت به آن حساس باشند. از طرفی روسیه از نفوذ امنیتی آمریکا در حوزه آسیای مرکزی حساس است و تمایلی ندارد در قرن بیست و یکم این مناطق به میدانی برای رقابت های نظامی - امنیتی آمریکا با روسیه تبدیل شود. به این دلیل است که شانگهای در دروازه آسیایی از جایگاه امنیتی خاصی برخوردار است. با در نظر گرفتن تمام فرضیات امنیتی موجود در قاره آسیا، و آنچه که در نوشتار فوق منتج می شود، اینست که مجموعه ای از ترتیبات امنیتی و توافقات امنیتی در سازمان شانگهای در حال شکل گرفتن است که چه در جنبه های نظامی آن و چه در جنبه های غیر نظامی آن بسیار حائز اهمیت هستند که در کاستن خطرات امنیتی نقش ارزشمندی دارند و برای ایران نیز بنا با دلایل ذکر شده حائز اهمیت اند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵).

۴- دلایل استراتژیک: در خصوص دلایل استراتژیک پیوستن ایران به شانگهای دو نظریه وجود دارد. نظر اول اینکه: برخی پیدایش این سازمان توسط روسیه و چین را به عنوان ابزاری برای ارزیابی نفوذ آنها در آسیای میانه و

جلوگیری از دسترسی ایران به منبع گسترده انرژی منطقه مورد اشاره می دانند) " ویلیام اودوم - عضو ارشد انستیتو هودسن " (امریکا) (Adam, 2007). نظر دوم اینکه در مورد محرکهای ایران برای پیوستن به این سازمان می تواند این نکته باشد که ایران به این سازمان به عنوان یک باشگاه از کشورهای هم فکر نگاه می کند که برای منافع ژئواستراتژیک آن در منطقه مهم است و از طرفی نیز ایران می خواهد رابطه مستحکم تری با هند و چین داشته باشد و وجه سوم پیوستن ایران به شانگهای از لحاظ استراتژیکی مسئله امریکاست. زیرا یک باور در ایران معطوف به این نکته است که این عضویت در شانگهای برای ایران محافظی در برابر فشارهای بین المللی از جمله تهدیدات امریکا خواهد بود.

در خصوص این موضوع اگر چه در بخش قبلی توضیح مفصل ارائه شد، اما توضیح این نکته ضروری است که بر اساس شناخت و بینش حاصله از سازمان همکاریهای اقتصادی - امنیتی شانگهای در حال حاضر در دو بعد سیاست خارجی و امنیت داخلی، ایران که در منگنه فشارهای بین المللی است و حریفان قدر در مقابل ایران صف آرای کرده اند ما به سمت و سوی سرحدات استراتژیکی شانگهای حرکت کنیم. دور نگه داشتن ایران از این اتحادیه شاید در میان مدت به ضرر ایران باشد اما عضویت در آن حداقل در ابعاد امنیت منطقه ای برای شرکای ایران نسبت به جغرافیای سیاسی - امنیتی ایران تعهد ایجاد می کند که این موضوع خود می تواند بازدارنده و مثبت باشد. (آلیسون، ۱۳۸۲ ص ۱۳).

پیامدهای عضویت رسمی ایران در شانگهای:

سازمان همکاری شانگهای با هدف افزایش ضریب امنیتی کشور های عضو از رهگذر همکاری در زمینه های تروریسم، مواد مخدر، جنایت های سازمان یافته، توسعه مبادلات بازرگانی، تقویت روابط دوستانه میان کشورهای عضو و با توجه به اصل احترام به حاکمیت دولتها شکل گرفته است. علاوه بر آن، یکی از اهداف ضمنی این سازمان مقابله با گسترش نفوذ ایالات متحد آمریکا می باشد که جمهوری اسلامی ایران نیز به آن علاقه مند است. بنابراین به نظر می رسد عضویت در سازمان همکاری شانگهای با هدف کاهش حجم تهدیدهای منطقه ای و مشارکت در همکاری های منطقه ای در زمینه های امنیتی در جهت منافع ملی و افزایش قدرت چانه زنی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. علاوه بر آن باید توجه داشت که سازمان شانگهای با حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه که از کشورهای بزرگ، مهم و تأثیرگذار در شورای امنیت سازمان ملل متحد هستند و در راستای ایجاد نظام چند قطبی بین المللی و گسترش فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حرکت می کنند، می تواند زمینه ای برای حضور مؤثرتر جمهوری اسلامی ایران در عرصه های منطقه ای و بین المللی باشد. باید توجه داشت، با توجه به اینکه بخشی از حوزه امنیت پیرامونی ایران در مناطق شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی با امنیت آسیای مرکزی گره خورده است، سازمان شانگهای می تواند بهترین و منطبق ترین نهاد منطقه ای سازگار با منافع ملی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران باشد. ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران با عضویت در این سازمان خواهد توانست اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود را بیش از گذشته ارتقا دهد. زیرا ایران قادر است که فرصتهای مطلوبی در خصوص ترانزیت کالا و انرژی به سوی خلیج فارس و خاورمیانه فراهم کند و این سازمان منطقه ای را با منطقه استراتژیک خلیج فارس همسایه کند. در نظام چند منظومه ای سلسله مراتبی فعلی، آمریکا با توجه به داعیه و انگیزه

هژمونی جهانی و تعریف فراملی که از منافع و امنیت ملی خود دارد، به طرح استراتژی اقدام نظامی پیشگیرانه در پرتو جهانبینی مبتنی بر دو انگاری تضاد میان خیر و شر پرداخته است. در این راستا سیاست خارجی خود را در محور نیروها و کشورهایی تنظیم کرده است که به منزله قدرت های منطقه ای مطرح هستند، از نظر واشنگتن هراندازه رفتار هژمون های منطقه ای مستقل تر باشد، به همان اندازه آنها برای منافع ایالات متحده خطرناک ترند و باید تحت فشار بیشتری قرار گیرند. (ملکی، ۱۳۸۵).

ایران در خاور میانه، چین در آسیای شرقی و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، داعیه هژمونی منطقه ای دارند. از این رو می توان چنین عنوان کرد که هر یک از این کشورها در حوزه ای مجزا قرار گرفته و منافع هر یک از آنها در مناطق تحت نفوذ دیگری در مسائل اقتصادی خلاصه شده است و شامل مسائل حیاتی نظامی و امنیتی نمی شود. همه این ادله ها هم اثبات می کند که جهان از نظام تک قطبی خارج شده و قرن بیست و یکم را متفاوت از قرن بیستم تجربه خواهد کرد. بدین ترتیب ساختار نظام بین الملل و نوع رابطه ایران، چین و روسیه با تک قطب آن حاوی محدودیت ها، فشارها و نگرانی های خاصی برای این سه کشور است. زیرا در نظام بین الملل به طور معمول، ابر قدرت ها و قدرت های بزرگ با توجه به مقدرات زیاد و محذورات کم، خواهان حفظ وضع موجود هستند و در مقابل، قدرت های متوسط، کوچک و ریز که مایل به تغییر وضع موجود هستند به دلیل مقدرات کم و محذورات زیاد، ناگزیرند که بلند پروازی های خود را به شدت محدود کنند. با این تفاسیر از یک سو می توان به احتمال شکل گیری محوری ضد هژمونی از سوی قدرت هایی نظیر ایران، روسیه و چین خوش بین بود و از سوی دیگر می توان سیاست های ایالات متحده برای تضعیف قدرت های منطقه ای این سه کشور را درک کرد.

اما این ملاحظات و سیاستها تلاقی دارد بایکی از اصول قرن بیستم که در قرن بیست و یکم هم در حال تداوم است و آنهم فرایند جهانی شدن است که تعابیر مختلفی را با خود تا کنون به دنبال داشته است. از سوی دیگر با آغاز دهه نود و همزمان با فروپاشی ساختار جغرافیایی شوروری، جهان از احتمال شکل گیری نظام تک قطبی به شدت احساس نگرانی کرد. از زمان شکل گیری این نظریه و تلاش امریکا برای القای این فرایند به نظام جهانی باعث تغییرات زیاد در اهداف و نظریه های بازیگران جهانی شد که در حال حاضر نیز با نوساناتی ادامه دارد. (شمسیان، ۱۳۸۵ ش ۲۲۴). این در حالی است که بر خلاف نظریات دهه ۱۹۹۰ میلادی جهان در ۸ سال اخیر شاهد درگیریهایی نظامی پیچیده ای شد که عمده آن نیز بواسطه امریکا بوده است. همین مسئله بسیاری از قدرتهای جهانی از جمله چین و روسیه را نسبت به پیامدهای امنیتی اقدامات یکجانبه در قرن بیست و یکم به شدت نگران کرد. لذا با در نظر گرفتن تمام عوارض و پیامدهای محیط امنیتی حاکم بر حوزه مرکزی آسیا که ایران نیز در این دایره قرار دارد، بنا بر همان دلایلی که مبحث ناظری ایران در شانگهای پرداخته شد در راستای عضویت دائم نیز بدان پرداخته می شود.

اهمیت ژئوپولیتیکی عضویت دائم ایران در شانگهای:

اگر عضویت دائم ایران در سازمان همکاریهای شانگهای را در سطحی استراتژیک روندی مثبت تلقی کنیم، در این صورت واقع بینی اقتضاء می کند که در آغاز عضویت، چشم انداز این همکاری از نقطه نظر ظرفیت ها، توانمندی

هاویا محدودیت آن مورد توجه قرار گیرد. به طور مشخص ایران در مورد نحوه و سطح همکاری با سازمان شانگهای دو راه در پیش دارد:

۱- تداوم عضویت ناظر با هدف آگاهی از تصمیمات سازمان و مشارکت محدود در زمینه هایی که به نفع منافع ایران است.

۲- تلاش برای عضویت دائم با هدف ارتقای نقش منطقه ای و بین المللی و خروج از برخی بن بست های سیاسی و اقتصادی که فعلاً درگیر آن است.

اما از دلایل مهم جغرافیایی حضور دائم ایران در چنین سازمانی تثبیت موقعیت سیاسی در منطقه و استحکام دفاع ژئوپولیتیکی با توجه به شرایط خاص جغرافیای سیاسی ایران در آسیا و جهان است. (بیک محمدی، ۱۳۸۲). یکی از این دلایل جغرافیایی را میتوان در خارج از مرزهای ایران در محور شمال شرق کشور جایی که حوزه آسیای مرکزی قرار دارد جستجو کرد. این محور که مورد توجه خاص کشورهای چین و روسیه قرار است و از دلایل اولیه جغرافیایی پیدایش شانگهای محسوب می شود محاط در خشکی بوده و برای دستیابی به آبهای آزاد به ایران نیاز مبرم دارند. ایران بهترین و مناسب ترین مسیر برای انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی به دیگر نقاط جهان از جمله حوزه شرق و جنوب شرق آسیاست. از سوی دیگر جمهوریهای تازه استقلال یافته هنوز به لحاظ استقلال جغرافیایی به ثبات کامل نرسیده اند. این بن بست جغرافیایی بزرگترین مشکل حوزه آسیای مرکزی است. لذا کشورهای عضو شانگهای برای تثبیت موقعیت سازمانی خود و همچنین پیشبرد اهداف کلان اقتصادی خود در منطقه و جهان نیاز مبرم به حضور موثر ایران در شانگهای دارند. این دقیقاً همان نکته ای است که برخی از صاحب نظران ژئوپولیتیکی با اشاره این بخش حساس اصرار دارند که ایران نباید برای عضویت دائم در شانگهای تعجیل کند بلکه دیگر اعضاء بویژه چین و روسیه به دنبال ایران باشند. زیرا در عصر دگرگون شده امروزی برای ورود به هر حوزه جغرافیایی و اقتصادی بویژه پیمانهای منطقه ای باید متناسب با جایگاه جغرافیایی و واقعیت های ژئوپولیتیکی گام برداشت. لذا از آنجائی که ایده اصلی تشکیل شانگهای امنیتی - اقتصادی بوده است، این اتحادیه در وهله نخست به این اهداف جغرافیایی می اندیشد. وسعت جغرافیایی، جمعیت فراوان و انباشته و مترکم، منابع فراوان و تثبیت شرایط اقتصادی و توسعه زیر بنایی. اهدافی که تحقق آن شرایط را برای دگرگونی شرق کره زمین فراهم می سازد. علم جغرافیا همیشه بر اصل ثبات جغرافیایی تأکید دارد. زیرا مبانی تشکیل این علم ترکیب نگری است. و برای هر قاعده طبیعی اهمیتی متناسب بر شرایط محیطی آن قاعده قائل است. علاوه بر این آسیای مرکزی دارای اهمیت ژئواستراتژیکی در قرن بیست و یکم است و می تواند به مرکز رقابتهای ژئواستراتژیکی غرب با آسیا- اورآسیا و جهان اسلام تبدیل شود. و این موضوع استراتژیکی هم برای ایران بسیار حائز اهمیت است.

اهمیت ژئواکونومیکی

ایران در حال حاضر (۲۰۰۸ م) که به عنوان عضو ناظر پیمان شانگهای شناخته می شود، در صدد است که به عضویت دائمی این پیمان درآید. موضوع عضویت ایران در واقع نشأت گرفته از تفکر گروهی از سیاستمداران اصولگرای کشور است که سیاست همکاری با شرق را مورد توجه قرار داده و گسترش ارتباط را با روش های

متفاوت به ویژه بهره گیری از ابزار انرژی (نفت و گاز) برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به قدرت های منطقه ای مانند چین و روسیه مورد تاکید قرار می دهند. (عزتی، ۱۳۸۵). اگر چه برخی از سیاستمداران با این نگاه مخالفند اما موافقان با این نگاه فرآیند پرونده هسته ای ایران را هم با خوشبینی می نگرند. مبنای شکل گیری پیمان شانگهای مبارزه با هژمونی طلبی ایالات متحده می باشد و عضویت ایران به لحاظ اقتصادی در این پیمان می تواند منافع منحصر به فردی را برای جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد. علاوه بر این رقابت شبه جنگ سرد روسیه و امریکا در مدت زمان اخیر که باعث افزایش تحرکات نظامی فراقاره ای مسکو شده و دخالت نظامی در گرجستان و به پرواز در آوردن بمب افکن های استراتژیک در ماورای مرزهای غربی روسیه که برای نخستین بار پس از سقوط شوروی صورت گرفته دلیل مضاعفی برای اهمیت یافتن حوزه های ژئوپولیتیک مجاور شده است وضعیت ممتاز ایران در حوزه جغرافیایی شانگهای به گونه ایست که سران شاخص این اتحادیه به خوبی آنرا درک می کنند. لذا ایران باید به بهترین وجه ممکن از این موقعیت برای نفوذ در شانگهای و پیشبرد اهداف اقتصادی - امنیتی و سیاست خارجی خود استفاده کند. (بدری فر، ۱۳۶۸، ص ۳۳ و ۳۴). زیرا امروزه اهمیت مناطق اقتصادی در مدارهای جدید اقتصادی یا همان قلمروهای ژئو اکونومیک در حوزه آسیا به گونه ایست که در بسیاری از موارد نسبت به دیگر مناطق اقتصادی جهان در وضعیت مناسبی قرار دارد. ایران در حوزه آسیا به لحاظ موقعیت های خاص اقتصادی بویژه در دو بخش انرژی و حمل و نقل در شرایطی قرار دارد که نگاه جهانی را به خود وا داشته است. از طرفی دیگر ایران به لحاظ نزدیکی جغرافیایی به حوزه انرژی خزر بهترین شرایط را برای احیا و بازسازی صنایع نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و صدور آن از طریق سواحل جنوبی به دنیای پیرامون دارد که از نگاه تیز بینانه چین و روسیه نیز دور نمانده است. اگر چه تنها ۳ درصد از نیازهای نفتی جهان از خزر تأمین می شود اما به دلیل نیاز شدید بازارهای جهانی به انرژی، این ایران است که می تواند شرایط لازم را برای انتقال ارزان و ایمن انرژی این منطقه فراهم کند. (سجادپور، ۱۳۸۷). زیرا با توجه به امنیت کاملی که در ایران وجود دارد و نیز به دلیل نزدیکی خزر به خلیج فارس و دریاهای آزاد و نبود موانع طبیعی و استعداد و امکانات بالا در صنایع نفتی ایران، بهترین مسیری است که می تواند مواد هیدروکربنی این مناطق را از طریق خطوط لوله انتقال دهد. نکته دیگر در دلایل اقتصادی در نظر گرفتن قابلیت های لازم ایران برای خروج از بن بست های فعلی و آثار ناشی از تحریم های یکسویه بین المللی است که ادامه آن در دراز مدت اقتصاد و صنعت ایران را در همه شاخص ها با مشکلات جدی مواجه می کند.

دلایل امنیتی

عضویت دائم ایران به لحاظ امنیتی در سازمان همکاری شانگهای البته به اذعان مقامات چین و روسیه و در دو عرصه برای اعضای شانگهای بسیار حائز اهمیت است. اول؛ نقش ثبات دهنده ایران در آسیای مرکزی به خاطر نفوذ سیاسی، فرهنگی و معنوی ایران و دوم؛ نقش اقتصادی و تجاری ایران در عرصه تولید و حمل و نقل. ارتباطات و انرژی است. (عزتی، ۱۳۸۵). علاوه بر این مولفه ها جمهوری اسلامی ایران زمینه ها، ظرفیت ها و پتانسیل بسیار خوبی برای همکاری با شانگهای دارد. زیرا عضویت ایران در شانگهای می تواند با سیاست اصولی ایران در افزایش همکاری های با همسایگان و نهادهای اقتصادی منطقه ای و بین المللی همخوانی داشته باشد. ضمن آن که از منظر استراتژی های کلان منطقه ای و بین المللی، نیز می توان شاهد نوعی همگرایی، همکاری و اشتراک مواضع میان

ایران و سازمان همکاری شانگهای بود. روسیه، اگر نگوئیم که بیشتر از چین با ایران منافع دارد، در حد چین به وزن و جایگاه منطقه ای ایران احترام قائل است و از این رو با تهران منافع و اشتراک دیدگاه دارد. پایداری روسیه در شرایط کنونی و در بحث هسته ای ایران، همراه با میزان مشورت دهی و قایل شدن به حل مساله هسته ای ایران از مجاری دیپلماتیک در واقع بخشی از راهبرد مسکو به شمار می رود. (امام جمعه زاده، ۱۳۸۶). از طرفی ایران در حساس ترین دوره تاریخی خود قرار دارد. توقع داخلی و تمایل ملی ایران را به سمت فعالیت های هسته ای سوق داده است. برنامه هسته ای ایران به موضوعی غیر قابل انکار تبدیل شده و ایران برای دفاع از فعالیت های هسته ای خود که مورد اعتراض قدرتهای غربی و متعاقب آن اعمال فشارهای فراوان از سوی غربی ها، بویژه امریکا قرار گرفته، به دفاع کشورهای قدرتمند اتحادیه شانگهای که چین و روسیه می باشند نیاز دارد. کشور ما یک کشور در حال ظهور اقتصادی و صنعتی بوده و برای تحکیم امنیت اقتصادی خود نیاز به فعالیت های هسته ای دارد. بنابراین مداخله قدرتهای خارجی تنها در راستای توجیه و تأمین منافع و اهداف ملی ایران قابل دفاع است. این در حالیست که عمده فشارهای قدرت های خارجی به ایران در خارج از ضرورت فوق صورت می گیرد. اگر چه در چنین شرایطی نباید تمایل رایزنی و مذاکره با امریکا را رد کرد، اما نباید از جلب نظر همسایگان و هم پیمانان قدرتمند در شانگهای نیز غافل بود.

موقعیت استراتژیک ایران:

ایران تا پیش از انقلاب اسلامی و به طور مشخص در دوران جنگ سرد تحت حاکمیت رژیم پهلوی به عنوان یکی از معتمدترین دولت های وابسته به آمریکا، نقش ژاندارمی منطقه را بر عهده داشت و چارچوب امنیت خارجی خود را نیز در این رویکرد تعریف می کرد اما با وقوع انقلاب اسلامی و استقبال سیاسی کشور که شرایط الحاق به همگرایی های منطقه ای و آسیایی فراهم گردیده است راهبرد و اولییتی که به تعامل ایران با سازمان منجر گردیده است بیشتر متکی بر محورهای سیاسی - اقتصادی است، به علاوه برخی واقعیت ها و رویکردهای مشترک نیز در این امر سهیم بودند؛ بر این اساس حضور و مشارکت کشورمان در همکاری های امنیتی و سیاسی می تواند به تقویت امکان حصول به اهداف امنیتی و در پی آن اقتصادی سازمان کمک نماید؛ ضمن آن که تجارب ایران در مبارزه با تروریسم، قاچاق و تجزیه طلبی و همسایگی با افغانستان و عراق، از جاذبه های همکاری با ایران نزد سایر اعضای سازمان تلقی می شود. نکته دیگر این که امنیت جمهوری اسلامی ایران، بویژه با وجود تهدیدها و نگرانی های امنیتی مشترک به طور اصولی با منطقه آسیای مرکزی پیوند خورده و از این رو امنیت پایدار در منطقه مستلزم حضور و همکاری جدی ایران در ترتیبات امنیت منطقه ای است. اگر چه نداشتن مرز مشترک و عدم برخورداری از یکپارچگی جغرافیایی مانعی برای ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای تلقی می شد (دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۶). اما این موضوع با توجه به روند عضویت افغانستان در سازمان همکاری شانگهای مساله عوارض جغرافیایی و موضوع مرزهای مشترک را برای جمهوری اسلامی ایران منتفی کرد. تحولات کنونی جهان معاصر، بر اهمیت همکاری کشورها با یکدیگر برای مقابله با تهدیدات مختلف که بسیاری از آنها ماهیتی بین المللی یافته اند. افزوده است. در چنین شرایطی، سازمان منطقه ای نقش برجسته ای می یابند. از سوی دیگر فروپاشی بلوک بندیهای گذشته این اندیشه را تقویت کرد که سازمان های منطقه ای بلوک بندیهای قرن بیست و یکمی را تشکیل می دهند.

سازمان همکاری شانگهای یکی از سازمانهای منطقه ای نوظهوری است که رشد قابل توجهی داشته که صاحب نظران آن را شبیه سازمان جنبش عدم تعهد با کارکرد عملی و با تعریف قرن بیست و یکمی می دانند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران عضو ناظر این سازمان پذیرفته شده و انتظار می رود که در فرایندهای آتی جزء اعضای دائم این سازمان گردد، شناخت این سازمان و کارکردها و موقعیت آن در نظام منطقه ای و بین المللی ضروری به نظر می رسد. امروزه بحث هایی چون نفت و گاز دریای خزر، توسعه ناتو به شرق تأثیر عضویت کشورهای منطقه ای، WTO تلاش جهت یافتن ساز و کارهای مناسب برای جلوگیری از سلطه آمریکا بر امور جهانی و ... در مذاکرات، اعلامیه ها و بیانیه های سازمان فوق به چشم می خورد. به همین جهت بسیاری سازمان همکاری شانگهای را اتحادی ضد ناتو نامیده اند. و یا برخی صاحب نظران آن را با جنبش عدم تعهد مقایسه می کنند. چشم انداز سازمان همکاری شانگهای نیز قابل تامل است. به نظر می رسد در پرتو همکاریهای منسجم اعضاء در شکل گیری نظام بین المللی جایگاه شایسته و موثری را برای خود مهیا خواهد کرد. این سازمان قابلیت لازم برای تبدیل شدن به یک سازمان چند جانبه دارد. بنابراین اهمیت منطقه ای و بین المللی سازمان مذکور را بر اساس نیازهای پیش روی این اتحادیه می توان به قرار زیر فهرست کرد:

- ۱- تغییر ساختاری در نظام اقتصادی منطقه ای و بین المللی و برقراری روند نوین منطقه گرایی در حوزه پهناور آسیا از طریق ایجاد بلوک قدرتمند اقتصادی و امنیتی و نقش ایران در آن.
- ۲- توسعه سرمایه گذاری متقابل و تلاش برای خروج کشورها از عقب ماندگی توسعه ای.
- ۳- همکاریهای موثر در حوزه تکنولوژیک.
- ۴- رشد سریع آسیا در حوزه جنوب غرب، آسیای مرکزی و جنوب شرق آسیا.
- ۶- پیوند خوردن متعادل و منطقی با دیگر اتحادیه های منطقه ای آسیا.
- ۷- اصلاحات زیر بنایی در حوزه های سیاسی و امنیتی و تغییر الگوهای فعلی حاکم بر نظام بین الملل. (نشست وزرای خارجی، ۲۰۰۸).

نقش روابط دیرینه ایران و روسیه:

تهران و مسکو از دیرباز به دلیل مجاورت، علائق سنتی، تاریخی و استراتژیکی خاصی را نسبت به یکدیگر دنبال کرده اند. اما اینک شرایط نسبت به گذشته تغییرات بسیاری کرده است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایران را به عنوان یکی از پایگاه های روسیه در غرب آسیا در آورده است. ایران از یک سو امکان دسترسی روسیه به بنادر موجود در آب های خلیج فارس و اقیانوس هند را فراهم می کند و از سوی دیگر نقش یک حائل را در بخش جنوبی روسیه در مقابل یکجانبه گرایی های ایالات متحده ایفا می کند. در واقع ایران مانع دست اندازی و احاطه استراتژیک آمریکا به روسیه از سمت جنوب است. روسیه نیز برای تهران به عنوان مانعی سخت جهت حضور و نفوذ قدرت های منطقه ای مانند اسرائیل و ترکیه و فرامنطقه ای همچون ناتو و آمریکا در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی به حساب می آید که از این دیدگاه با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انطباق دارد. چرا که تهران نیز همانند مسکو، با گسترش ناتو به سمت شرق، بسط نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و سلطه غرب-به ویژه بر منابع انرژی کشورهای این حوزه- و حذف ایران و روسیه از مسیرهای انتقال انرژی این منطقه به دنیای

خارج مخالف است. (نیو، ۱۳۸۲). اگر چه روند انقباضی اقتصاد روسیه سبب شده است که روسیه برای ادامه حیات اقتصادی خود به کمک‌های ایالات متحده و سایر کشورهای غربی و نهادهای مالی و پولی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که کنترل آنها در دست آمریکا است، وابسته شود، اما همواره این کشور تلاش کرده تا موضعی ضد غربی اتخاذ نماید. در حالی که همکاری میان ایران و روسیه در بخش‌های نظامی - تسلیحاتی، انرژی و اقتصادی دنبال می‌شود، واشنگتن علیرغم انتقادات بی‌شمار، هنوز موفق به تغییر رفتار روسیه بایران نشده است. اما این احتمال همچنان وجود دارد که فشارهای آمریکا کارگرافند. البته در مقابل مقاومت روس‌ها در برابر فشارهای آمریکا، ایران نیز در مبارزه با رشد بنیادگرایی اسلامی و حل و فصل اختلافات سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز موضعی به سود روسیه اتخاذ کرده است. این مسئله نقطه قوتی در روابط میان دو کشور محسوب می‌شود. (بصیری، ۱۳۸۳، ش ۴۸). و این حسن روابط با در نظر گرفتن وسعت تاریخی آن می‌تواند مسیر ایران را برای پیوستن دائم به اتحادیه شانگهای فراهم کند.

نقش روابط دیرینه ایران و چین:

عدم وجود سابقه درگیری میان دو کشور، برآورده نمودن نیازهای تسلیحاتی و نظامی ایران از سوی چین و نیاز رو به گسترش چین به انرژی به همراه سرمایه‌گذاری‌هایی که چین در بخش نفت و گاز ایران انجام داده است، از جمله نقاط برجسته روابط دو کشور محسوب می‌شود. ایران به عنوان تنها همراه نظامی و سیاسی ارزنده چین در غرب آسیا، در رابطه با مسئله تایوان نقش عامل بازدارنده استراتژیک را در مقابل آمریکا بازی می‌کند. همچنین ایران به عنوان پایگاهی برای نیروی دریایی چین در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس مطرح است. ایران نیز برای توسعه و گسترش نیازهای انرژی خویش به طور قابل توجهی از سوی چین حمایت شده است. ارزش واردات گاز چین از ایران معادل ۱۰۰ میلیارد دلار است که احتمال افزایش آن تا سقف ۲۰۰ میلیارد دلار در ازای گسترش سرمایه‌گذاری‌های چین در اکتشاف و حفاری و سالیانه ۱۰ میلیون تن گاز مایع طبیعی به مدت ۲۵ سال وجود خواهد داشت. (یادگاری، ۱۳۸۵، ش ۲۲۶). ایالات متحده بر هر دو کشور ایران و چین فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک نسبتاً مشترکی وارد کرده است. هر دو کشور از سوی واشنگتن به نقض حقوق بشر متهم شده‌اند. با این حال واشنگتن در مورد چین محتاط‌تر عمل کرده و با این قدرت آسیایی، سیاست «مشارکت استراتژیک» را پیش گرفته است. اما در مورد ایران، ایالات متحده سیاست رویارویی بر اساس تحریم‌های اقتصادی را به اجرا گذاشته است. اگر چه این تفاوت، نتیجه قدرت و وسعت چین است اما به نظر می‌رسد مسائلی همچون اشاعه احساسات ملی‌گرایانه و ضدآمریکایی در جنوب شرق آسیا، مخالفت چین با جنگ عراق، مسئله اعمال نفوذ در غرب اقیانوس آرام، اختلاف نظرهای اقتصادی و مسئله تایوان، روابط آمریکا و چین را در آینده تحت الشعاع خود قرار خواهند داد. اما ایران و چین طی دو دهه اخیر در مسیر اتحاد استراتژیک و یا حداقل مشارکت استراتژیک در زمینه‌های مختلف حرکت کرده‌اند و چین یکی از مدافعان اصلی عضویت دائم ایران در شانگهای است. چین تلاش می‌کند با حضور دائم ایران در شانگهای وزن استراتژیک این اتحادیه را در عرصه بین‌المللی سنگین نموده و امتیاز بیشتری در میدان رقابت با رقبای اصلی بویژه آمریکا در عرصه جهانی داشته باشد.

نتیجه گیری

سازمان شانگهای با توجه به حضور قدرت های بزرگ در آن و انسجام ساختاری و اهداف و منافع مشترک اعضای آن توانایی ایفای نقش عمده ای در تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه و جهان را دارد و عواملی چون افراط گرایی و تروریسم مانعی بر سر راه آن نبوده بلکه از عوامل تقویت و رشد آن به شمار می آیند. سازمان شانگهای از زمان تأسیس تاکنون با انعقاد مجموعه ای از توافقنامه های دو جانبه و چند جانبه تا حدود زیادی نگرانی های اولیه مرتفع و استراتژی های این سازمان در بخش امنیتی و اختلافات ارضی به تحقق پیوسته است. در این میان چین بیشترین نفع را برده است، زیرا این کشور با انعقاد پیمان امنیتی با روسیه بیش از ۷۰۰۰ هزار کیلومتر مرز مشترک خود با جمهوری های شوروی سابق را از هر گونه دل مشغولی عمده امنیتی رهایی بخشید.

منابع:

- ۱- آلیسون، روی (۱۳۸۳): امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمدرضا دبیری. ص. ۱۳.
- ۲- امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۸۶): جنگ سرد تازه و گزینه های ممکن برای آسیای مرکزی و قفقاز در آرایش تازه قدرتهای جهانی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. ش. ۲۴۲. مهر و آبان.
- ۳- باقری، سیامک (۱۳۸۶): جایگاه ایران در سازمان همکاری شانگهای / آفتاب. بهمن
- ۴- بدری فر، منصور (۱۳۶۸): " مبانی جغرافیای انسانی " ص. ۳۳ و ۳۴.
- ۵- بصیری، محمد علی (۱۳۸۳): اهداف سیاست خارجی امریکا در آسیای مرکزی / ش. ۴۸. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز. زمستان ۱۳۸۳.
- ۶- بهمن، شعیب (۱۳۸۷): روسیه: بازیگری میان ایران و امریکا / ایراس. تیر
- ۷- بیک محمدی، حسن (۱۳۸۲): مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران - اصفهان: دانشگاه اصفهان
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵): بررسی وضعیت جغرافیای سیاسی و ژئوپولتیک در ایران / شهریور. خبرگزاری فارس.
- ۹- سازمان جغرافیایی (۱۳۸۴): جایگاه ایران در نظام ژئوپولتیک قرن ۲۱ (کنگره انجمن ژئوپولتیک ایران). تهران دی ماه
- ۱۰- سجادیپور، کاظم (۱۳۸۷): سیاست خارجی و دنیای پر تلاطم. اطلاعات. ۲، ۱۷.
- ۱۱- شمسیان، حمید (۱۳۸۵): سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن / اقتصادی. ش. ۲۲۴. فروردین و اردیبهشت.
- ۱۲- ظرفیت کشورهای پیمان شانگهای برای همکاری / نشست وزرای خارجه شانگهای. ۲۰۰۸م
- ۱۳- عزتی، عزت اله (۱۳۸۵): " مقاله ژئوپولتیک انتقال نفت و گاز حوزه خزر ".
- ۱۴- عزتی، عزت اله (۱۳۸۵): انتقال انرژی حوزه خزر.
- ۱۵- ملکی، عباس (۱۳۸۵): جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای - تهران: آبان ۱۳۸۵. (چهارمین کنفرانس آسیای مرکزی و قفقاز.

۱۶- نگرش اتحادیه اروپا بر ژئوپولتیک نوین خاورمیانه و موقعیت ایران / دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
۱۳۸۶.

۱۷- نیو، امرسن و دیگران (۱۳۸۲): موازنه قدرت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۸- یادگاری، حسین (۱۳۸۵): تقاضا و چالش های امنیت انرژی در آسیا/ اطلاعات سیاسی و اقتصادی / شماره
۲۲۶. خرداد و تیر ۱۳۸۵.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی